

شکر کنی که باید

درست کرد با ما را

برای چاپ این

کتابچه

میرا

صه

- من نمی خوام بچم دم پیرین بباره آ
 - تو حالا فکر خودت میکنی که با پیرین
 بعد نم بچه آ تو بخوره
 - خاله جون ، شوکر گه جوونک میشن؟
 - نه جوونم عضده تو نه؟
 - تا کی می نظره پیرین ها میشن
 - تا وقتا بهمدم
 - حطوره سما می تپه بد
 - یا بهار میشم یا عمرم به آخر می رسه
 روح از تنم ما پیره میرون
 - روح چه پرنده است؟
 - نه نمی خورم چه
 - خاله جون ایامه من تو کن
 - بنده خود تو تو نم شناسید؟
 - خنده داره . (اگه)

- خاله جون
 - جوونم
 - شکر پیرین؟
 - حطوره گه؟
 - یعنی می نظره پیرین
 - چی خودی که نمی پیریند ، می خوام خبری بدونه
 - نم می خوام بدونم پیر چه؟
 - پیر که؟ نه چه . پیر زن یا پیر مردی که
 مردش می فتنه کنه ما نه . صد در صد خودت در تنه ما نه
 - پس دختر خاله که خودتو می فتنه کنه پیره؟
 - نه . اون نیما د خورشید
 - پس بوی سفید خوشگله
 - نه میده
 - خاله جون ، پیری خوبه یا بده؟
 - خوب نیست دگه . البته چیز خوبی نیست
 - چه صرا آرد ما پیر میشن؟
 - قانون طبیعته .
 - صه؟
 - پیری . چرا میگفته؟ ما از زن؟
 - رفته چرا میگفته؟ می برای قشنگی ما از زن؟
 - برای اینکه قانون میده در بیاد
 - مده برای صی؟
 - برای اینکه تو بخوری بزرگ بشی
 - ما خوام بزرگ بشم . اما ما خوام پیر بشم
 - بخوام ، بخوام . منم . قانون طبیعته
 - میگفته حاشا مده در بیاد جای تنم
 - بچری قشنگ
 - خنده داره . بچه ای نم پیری میشن؟

- خاله جون

- جونم

- سینه چه؟

- رنگه

- رنگه از چی رنگه؟

- زغال سنگ؟ رنگی از زرد و آبی را

- ماطن که رنگه در بناه

- این علفها و در وقت آراکی

- طبیعت

- از قبی؟

- آینه از نور خورشید و ماده از کوه خارا

- و سینه در وقت آفت

- گفتند نور خورشید؟

هرای باید از نور خورشید در وقت نور خارا
و ماطن در وقت آفت

در سینه ماطن؟

- خاله جون، سینه هم این رنگه آرا

همون رنگه ماطن سینه که من ماطنم

- ماطنم در وقت آفت ماطنم

- سینه هم در وقت آفت سینه

سینه یا سینه ماطنم و سینه

ماطنم و سینه ماطنم که سینه

- خاله جون

- خوبم

- ساعز یعنی چه؟

- یعنی یکی که شو میله

- شو چه؟

- شو نذر و آقا شو میله

- صبر اما نوبه

- برای اینکه دیگران نخوندند

- اگر که نخوندند چگونه می نشیند؟

- یا اگر که نخوندند چه نموده دارد؟

- خوب مردم از شو لذت می برند

- و هنر باید می کردند

- پس ساعز شو را بر مردم می کند

- نه برای خود شو؟

- خنده دارد! لذت می برد

- چه لذت؟

- لذت و قهقهه شنیدن از یک مافوقی

- چه لذت می بردی؟ شو شوئی ام؟

- تشنگی می بیند نیاز

- نیاز چه؟

- برای اشتهای داره حرف می زنه تنها

- ساعز حرف می شنید تر و خوشتر

- از دیگران بیان می کند

- باید گفتا کرد تا ساعز شو

- درس ساعز خواند؟

- نه. باید ساعز به دنیا آورد ^{باید تعداد داشت}

- پس درس لازم نیست؟

- قضا لازم نیست. ساعز کم بود از شوئی

- آنگاه می کند. ساعز باید لازم می برد

- چند نذر و آقا شو میله

- مردم می برد

- اصلاً شو شو خورد آدم می خواند. همه شو میله؟

- نه تنها، تقاضای شو بعضی را دوست نداشتی؟

- خوب شو شو میله من هم از آن دیدم برای آدم لازم

- بدون شو شو میله آدم شو شو میله و با کوزه

- درسته بابت؟

- من که خودم هم اینها را که لغت خودت می دارم

- اما بوی مندی ندارم. ساعز شو میله

- شو شو در جدول خود شو ساعز شو میله بعضی را

- می خوانند ^{چانه} و در راک خودشان را بیان می کنند

- بعضی آنها می خوانند

- خوش به حال ساعز! این سعد شو میله تا حالا

- تا کنون - شو چاپ کرده. تا زده می کند شو میله

- محبوبه چاپ می کنند

- یعنی تا چند ساله به دنیا می آید - شو میله

- چاپ خواهد کرد

- اووه - خاله جون این هم کتابی شو میله؟

- خود ساعز.

- خب . انار و از بابا چون که دگرته ماییم
 فقط شما اینو ببلید و قسمی مثلا من سرم درد میگروه
 شاحص می کنید .
 - آینه ضعیف خوب آه می ماکم . ناراحت میسم
 - نفس گم کردن درد میگروه ! مثل من ؟

- نه .
 - مامانم حضور ؟ میدونید . وقتی من ضعیف میسم
 مامانم گریه می کنند . این یعنی لرزون درد میگروه یا بیمار
 آه ، می بلیم گام وجودش درد میگروه . مادر حافره مرار بار
 خودش بیمار شه تا فرزندش . یا کسی مادر بنا شه انرا
 احوال نمی کنه . در آتش می خورده در جهان بدتر .
 - خب مروت مامانم در نفس من منم غصه ام
 گریه ماکم . ضعیف دوستون دارم . از من مهم شم
 دنیا بگره

- مری مادر و دگرته از این بر ؟
 - خانه جون هم مادر مثل مامان من خونده ؟
 - باید باشند . اما نماندانه مادرانی هم هستن
 که گم کرد دارن . گزشتند ریا انا دانی و خوشن
 فرزندانشون رو نمی کنند فقط میخان خوردن
 خوش مایند

- خانه جون
 - حوت
 - سلامتی یعنی چه ؟
 - یعنی ماداری قدرش نمی خورن
 - حی ؟
 - یعنی . با خودم بدم

هر بعضی وقتها بعضی اشک جواب بدم
 می گویند یعنی
 گامی با خود حرف مازم
 بگه آدم با خود حرف مازنه
 مریه . آدم با خود حرف مازنه
 هم با خودش حرف مازنه . غنما
 تو دشن حرف مازنه . نه بلند باکی
 کف آدم با خود ماکم کفست
 مگر ماکند یعنی تو ای ذنن حرف مازنه

- خنده داره
 - بر سیدی سلامت یا سندی هم ؟
 - بله
 - وقتیکه بوی جایی بدن
 درد نمی کنه و سر حال و خورده بندرسه
 - صرا اصلا آدم در نفس مازه ؟
 - مرار دلیل . بعضی بکم اعلیل و بیمار
 - دنیا مافنا . بعضی دگر که ماکند

مرابط رند گم کرد بده . بدرو مادر کردن از اقا
 ضرب مواضبت نمی کنند . آب و دوا و محیط
 خانوادگی با خود و کیفیت . فقره عدا
 کافی مناسب نما خوردن . نعم ضعیف چیزه
 آردو بیمار ماکند . حال این میب آس
 طبی بیماری را نمی توانم برات بگم

تعمیر

خطہ بچہ با حاندانش
- ۵ -

- خانہ جون
- جونم
- مرا آدم ماخذہ ؟
- تمام فوش حالہ ایک چتر تھیک
- ما بینہ وی شتور
- اول بگہ میرا ما با دہیں مول محمدیم
- نہ بار ما نمودن
- حذہ دارہ
- برال مسکہ

۴